

مقایسه شعر فروغ فرخزاد، فرزانه خجندی و خالده فروغ از منظر نظریه

جانسون

علی اصغر بوند شهریاری*

استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

طاهره سیدرضایی**

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه پیام نور،

تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۳، تاریخ تصویب: ۹۳/۷/۱۵)

چکیده

به کارگیری روش‌های آماری به دقت و درستی پژوهش‌های سبک‌شناسی بسیار کمک می‌کند. یکی از این شیوه‌ها، روش «تنوع واژگان جانسون» است که بر محور دایره واژگان استوار است. این مقاله شعر فروغ فرخزاد، فرزانه خجندی (از تاجیکستان) و خالده فروغ (از افغانستان) را از منظر این نظریه واکاوی کرده است. با بررسی سه هزار واژه از هر شاعر، مشخص شد، نسبت کلی تنوع واژگان در شعر فرزانه خجندی بیش از دو شاعر دیگر است، فروغ فرخزاد و خالده فروغ به یک میزان از تنوع واژگان برخوردارند، اما محاسبات بعدی نشان داد تداوم تنوع واژگان در شعر فروغ بیش از خالده و فرزانه است و گویای آن است که چیرگی فروغ بر زبان شعر، در دوره دوم شاعریش، بیش از دو شاعر یاد شده است. سه شاعر واژگان مشابه بسیاری را به کار برده‌اند، اما شیوه کاربردی واژگان آن‌ها با یکدیگر تفاوت‌هایی دارد که ناشی از تفاوت سبک، دیدگاه‌ها و شرایط زندگی آنان است.

واژه‌های کلیدی: تنوع واژگان، جانسون، فروغ فرخزاد، فرزانه خجندی، خالده فروغ.

* تلفن: ۰۲۱-۲۲۲۹۵۷۴۷، دورنگار: ۰۲۱-۲۲۲۹۵۷۴۷، E-mail: shahryari_tpu@yahoo.com

** تلفن: ۰۲۱-۲۲۲۹۵۷۴۷، دورنگار: ۰۲۱-۲۲۲۹۵۷۴۷، E-mail: sepiderezayi@yahoo.com

مقدمه

بهره‌گیری از دانش آمار به ویژه در پژوهش‌های علمی امروز گسترش یافته است. روش‌های آماری از روش‌های علمی، دقیق و قابل استنادی محسوب می‌شوند که پژوهشگران بیشتر رشته‌ها آن را به کار گرفته‌اند. علوم انسانی نیز از این روش‌ها بی‌نصیب نمانده است. کاربرد آمار در برخی شاخه‌ها مانند جامعه‌شناسی و علوم تربیتی متداول است، اما در برخی شاخه‌ها مانند ادبیات کاربرد کمتری دارد. پژوهش‌های ادبی کمتر و دیرتر از دیگر شاخه‌ها از روش‌های آماری سود برده است. در حالی که این روش‌ها در برخی زمینه‌های ادبیات، مانند نقد ادبی، سبک‌شناسی، ادبیات تطبیقی و... می‌تواند راهگشا باشد. «اگر سؤال شود که آیا اطلاعات آماری ارتباطی با مطالعه سبک دارد؟ جواب کاملاً روشن است: بلی. تقریباً تمام نقدها، حتی مبتدی‌ترین آنها یعنی نقد تأثرگرا روش آماری را هر چند به طور ناقص و غیر رسمی به کار می‌گیرند» (فتوحی، ۱۳۹۰، ۱۶۷).

روش‌های آماری با توصیف دقیق متن و تبدیل عناصر کیفی به کمیت‌های ملموس، مخاطب را متوجه زوایا و لایه‌های پنهانی متن می‌سازد و اظهار نظرهای ذوقی و احساسی مبتنی بر سلیقه‌های شخصی را به قضاوت‌های علمی مستند و مبتنی بر واقعیت بدل می‌کند. استاد دپارتمان زبان شناسی دانشگاه برکلی آمریکا، یکی از کسانی است که روش‌های Keith jahnson «کیت جانسون» آماری را در مطالعات سبک‌شناسی به کار برده است. او در گستره زبان‌شناسی، تحقیقات بسیاری انجام داده و چندین اثر در این زمینه دارد، از جمله «تنوع گوینده در پردازش متن» که در سال ۱۹۹۷ در سن دیه‌گو به چاپ رسیده است. جانسون در کتاب دیگر خود با عنوان روش‌های کمی در زبان‌شناسی شیوه‌ای را برای مطالعات سبک‌شناسی پیشنهاد می‌کند که به نظریه جانسون معروف است و در ادامه آن را به تفصیل شرح خواهیم داد.

این مقاله در نظر دارد، شعر فروغ فرخزاد، فرزانه خجندی و خالده فروغ از سه کشور ایران، تاجیکستان و افغانستان از منظر نظریه تنوع واژگان جانسون مورد مطالعه قرار دهد. انتخاب دو شاعر فارسی زبان غیر ایرانی بدین سبب است که افغانستان و تاجیکستان بخش‌هایی از قلمرو زبان فارسی‌اند، اما چنانکه باید مورد توجه قرار نگرفته‌اند. نگارندگان، شناخت شعر و ادب این سرزمین‌ها و در نهایت ساختار زبان و ادبیات آن‌ها را برای ایرانیان ضروری می‌دانند و البته بین سه شاعر سنخیت‌هایی وجود دارد که مقایسه آن‌ها را منطقی می‌سازد. افزون بر آن، هر سه زن هستند، شاعر معاصرند، از زمانه و زمینه‌ای نزدیک به هم بر

آمده‌اند و نیز در سرزمین خود شاعرانی شناخته شده و صاحب اندیشه هستند و موضوعات، نمادها، تصاویر و مضامین مشترک در شعر آن‌ها دیده می‌شود، بایسته یادآوری است، که خالد فروغ و فرزانه خجندی هر دو از فروغ فرخزاد تأثیر پذیرفته‌اند. پیش از وارد شدن به بحث اصلی، به اجمال دو شاعر تاجیک و افغان را معرفی می‌کنیم، اما به سبب آن که فروغ فرخزاد نزد اهل ادب شناخته شده است و پژوهشگران زندگی و شعر او را از زوایای مختلف واکاوی کرده‌اند، از معرفی او صرف‌نظر می‌نماییم.

تا جایی که نگارندگان جستجو کرده‌اند، پژوهشی نیافته‌اند که شعر شاعران مورد نظر این مقاله را از منظر نظریه جانسون بررسی کرده باشد و موضوع مقاله، نو به نظر می‌آید. اما روش جانسون در زبان عربی، به ویژه در آثار سعد مصلوح^۱ به طور وسیع به کار گرفته شده؛ در ایران، حامد صدقی^۲ در نقد شاعران عرب از آن بهره برده است. ابراهیم اناری و احمد امیدوار^۳ نیز در دو مقاله با عنوان «رابطه سبک‌شناسی و علم آمار» و «پژوهشی در تنوع واژگان شعری» که به ترتیب در «نامه نقد» (مجموع مقالات همایش ملی نظریه و نقد ادبی در ایران) و «فصلنامه پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی» به چاپ رسیده است، درباره این روش سخن گفته‌اند.

در این پژوهش دو پرسش اصلی مطرح است:

- ۱- کدام یک از شاعران مورد نظر از تنوع واژگان بیشتری برخوردارند.
- ۲- شیوه کاربرد واژگان در شعر شاعران یاد شده، چگونه است و چه ویژگی‌هایی از شعر آنان را منعکس می‌کند.

بحث و بررسی

معرفی نظریه جانسون

زبان، از ترکیب و همنشینی واژگان در یک ساختار منظم به وجود می‌آید و انسان‌ها بخش اعظم مفاهیم مورد نظر خود را از طریق واژگان منتقل می‌کنند. بدین ترتیب، زبان نه وسیله که تمام یا بخشی از اندیشه شمرده می‌شود و «اجزای زبان (واژه‌ها) چیزی جز اجزای اندیشه نیستند، به تعبیر تولستوی کلمه همان اندیشه است. اندیشه در قالب کلمات، رنگ، بو و

۱. منتقد مصری و استاد دانشگاه کویت.

۲. استاد دانشگاه خوارزمی تهران.

۳. استادیار دانشگاه اراک - دانشجوی دکتری دانشگاه خوارزمی

خاصیت گرفته و جسمیت می‌یابد، هر چه فضای اندیشگی انسان گسترده‌تر باشد، به همان نسبت از زبان غنی‌تری برخوردار بوده و مجموعه واژگانی او ثروتمندتر خواهد بود، چرا که کلمه زاییده نمی‌شود، مگر با فکر و هر کس به اندازه فکر خود کلمه دارد» (علی‌پور، ۱۳۸۷، ۱۸).

کلمات، ظرفی هستند که گوینده مفاهیم مورد نظرش را در آن‌ها می‌ریزد و به مخاطب عرضه می‌دارد، هر چه ظرف زیباتری انتخاب شود، مفاهیمی که در بر دارد، عمیق‌تر در روح و جان مخاطب می‌نشیند، تا جایی که در زبان ادبی، گاه اهمیت ظرف بیش از مضمون می‌گردد.

اصولاً در آفرینش ادبی همه چیز از ابتدا بر اساس انتخاب یک مورد از تعداد کثیری موارد دیگر صورت می‌گیرد و آنچه سبک نویسنده و شاعر را تعیین می‌کند مجموعه‌ای از انتخاب‌های کلی و گزینش‌های دقیق است که او آگاهانه یا ناخودآگاه در مراحل مختلف کار خود انجام داده است... این انتخاب و گزینش هر چند که همیشه خود آگاه هم نباشد، در واقع یک فرایند دائمی و فعال است که در هر لحظه از ابتدا تا انتهای یک اثر ادبی وجود دارد (امینی، ۱۳۸۸، ۲۷).

انتخاب واژه و شیوه بیان، ارتباط مستقیم با دایره لغات و ثروت واژگان آفرینش‌گر اثر ادبی دارد. همین دایره لغات یا ثروت واژگان، محور نظریه جانسون است. به نظر او بررسی دایره واژگان، گام مهمی برای شناخت سبک صاحب اثر است و می‌تواند به سنجش توانمندی‌های وی کمک کند. جانسون برای رسیدن به این هدف، روش «تنوع واژگان» را پیشنهاد می‌کند، که معمولاً به صورت مقایسه‌ای بین دو یا سه شاعر انجام می‌شود. منظور جانسون از واژگان متنوع، واژگانی است که در یک برش سه هزار کلمه‌ای از یک متن غیر تکراری باشند. برای رسیدن به این واژگان غیرمکرر، باید مراحل زیر را طی کرد.

مراحل نظریه جانسون

۱- انتخاب نمونه پژوهش: بدیهی است که برای بررسی واژگان یک شاعر، امکان بررسی تمام کلمات موجود نیست یا ضرورت ندارد؛ بنابراین باید دست به انتخاب زد و بخشی را به عنوان نمونه انتخاب کرد. جانسون پیشنهاد می‌کند برای نمونه ۳۰۰۰ واژه، غیر گزینشی و تصادفی از هر شاعر انتخاب شود، البته تصادفی بودن به معنی بی‌ارتباط بودن نیست و نمی‌توان قیاس مع‌الفارق کرد، بلکه باید بین شاعران منتخب، سنخیت‌هایی وجود داشته

باشد. فرزانه خجندی و خالده فروغ شعرهای زیادی در قالب غزل سروده‌اند، اما در اینجا برای آنکه صحت پژوهش بیشتر باشد، شعرهایی از آنان را برگزیدیم که در قالب نو سروده شده‌اند و شباهت‌های بیشتری با یکدیگر دارند. ۳۰۰۰ واژه فروغ از کتاب تولدی دیگر، تهران، امورا، ۱۳۸۷ (صفحه ۲۵۴-۲۰۵)، ۳۰۰۰ واژه فرزانه از کتاب سوز ناتمام، تهران، رسانش، ۱۳۸۵ (صفحه ۵۱-۱۷)، و ۳۰۰۰ واژه خالده از کتاب همیشه پنج عصر، کابل، میوند، ۱۳۸۶ (صفحه ۱۱۹-۱) انتخاب شده است.

۲- **تعیین واژگان متنوع:** سه هزار واژه‌ای که به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند را در جدول قرار می‌دهیم. هر جدول ده خانه عمودی و ده خانه افقی دارد که در کل صد واژه را شامل می‌شود. بنابراین برای هر شاعر به سی جدول، شبیه جدول زیر نیاز داریم.

آن	روزها	رفتند	آن	روزهای	خوب	آن	روزهای	سالم	سرشار
آن	آسمانهای	پر	از	پولک	آن	شاخساران	پر	از	گیلاس
آن	خانه‌های	تکیه داده	در	حفاظ	سبز	پیچک‌ها	به	یکدیگر	آن
بام‌های	بادبادک‌های	بازیگوش	آن	کوچه‌های	گیج	از	عطر	افاقی‌ها	آن
روزها	رفتند	آن	روزهایی	کز	شکاف	پلک‌های	من	آوازه‌ایم	چون
حبابی	از	هوا	لبریز	می‌جوشید	چشمم	به	روی	هرچه	می‌لغزید
آن	را	چو	شیر	تازه	می‌نوکید	گویی	میان	مردمک‌هایم	خرگوش
ناآرام	شادی	بود	هر	صبحدم	با	آفتاب	پیر	به	دشتهای
ناشناس	جستجو	می‌رفت	شبها	به	جنگل‌های	تاریکی	فرومی‌رفت	آن	روزها
رفتند	آن	روزهای	برفی	خاموش	کز	پشت	شیشه	در	اتاق

نکته‌ای که در مرحله دوم اهمیت دارد، دقت در تعریف واژه و تعیین حد و مرز آن است که اتفاق نظر همگانی درباره آن وجود ندارد و به همین سبب ممکن است اختلاف نظرهایی پیش بیاید. برای مثال ممکن است کسی کلمات مرکب را یک واژه محسوب کند و دیگری دو یا سه واژه، اما آنچه مهم است، این است که انتخاب واژگان بر اساس منطق واحدی صورت بگیرد تا دقت پژوهش خدشه‌دار نشود. در انتخاب واژگان این مقاله نکات زیر لحاظ شده است:

- فعل‌های پیشوندی و مرکب را یک کلمه تلقی کرده‌ایم و نخستین بار ورود آن را در متن تنوع و موارد بعدی را در صیغه‌ها و زمان‌های مختلف تکرار به شمار آورده‌ایم. برای نمونه

وقتی اولین بار در جدول، فعل «رفت» را می‌بینیم آن را تنوع دانسته‌ایم پس از آن تا پایان متن، فعل‌هایی مانند برو، خواهی رفت، می‌رفته است و ... را تکرار شمرده‌ایم.

- اختلاف اسم‌ها در مفرد و جمع بودنشان را تکرار می‌دانیم: مثل روز و روزها
- کلمات مخفف را نسبت به اصل کلمه تکرار دانسته‌ایم: مانند انده و اندوه
- ضمیرهای پیوسته به کلمه و شناسه‌های همراه فعل را با خود آن کلمات یک واژه محسوب کرده‌ایم. دلش - گفتم
- انواع ضمیر، اعم از متصل و منفصل، فاعلی و مفعولی را نسبت به هم تکرار تلقی می‌کنیم.

- صفت‌های اشاره مفرد و جمع را نسبت به هم تکرار می‌شماریم. مانند آن و آن‌ها
 - اسم‌های مرکب را یک کلمه در نظر گرفته‌ایم. مثل خانه به دوش
- بعد از تعیین مرز واژه، کلمات تکراری را خط می‌زنیم و کلمات باقی مانده را که واژگانی متنوع‌اند، به جدول دیگری منتقل می‌کنیم. این کار را درباره هر ۳۰ جدول انجام می‌دهیم، به طوری که تمام واژگان تکراری حذف شوند و هیچ کلمه تکراری در کل جدول‌ها وجود نداشته باشد. بنابراین واژه‌های خط نخورده، بیانگر واژگان متنوع در تمام سی جدول‌اند.

آن	روزها	رفتند	آن	روزهای	خوب	آن	روزهای	سالم	سرشار
آن	آسمانهای	پر	از	پولک	آن	شاخساران	پر	از	گیلاس
آن	خانه‌های	تکیه داده	در	حفاظ	سبز	پیچک‌ها	به	یکدیگر	آن
بامهای	بادبادک‌های	بازیگوش	آن	کوچه‌های	گیج	از	عطر	اقاقی‌ها	آن
روزها	رفتند	آن	روزهایی	کز	شکاف	پلک‌های	من	آوازهایم	چون
حبابی	از	هوا	لبریز	می‌جوشید	چشمم	به	روی	هرچه	می‌لغزید
آن	را	چو	شیر	تازه	می‌نوشتید	گویی	میان	مردمک‌هایم	خرگوش
نا آرام	شادی	بود	هر	صبحدم	با	آفتاب	پیر	به	دشتهای
ناشناس	جستجو	می رفت	شبها	به	جنگل‌های	تاریکی	فرومی‌رفت	آن	روزها
رفتند	آن	روزهای	برفی	خاموش	کز	پشت	شیشه	کر	اتاق

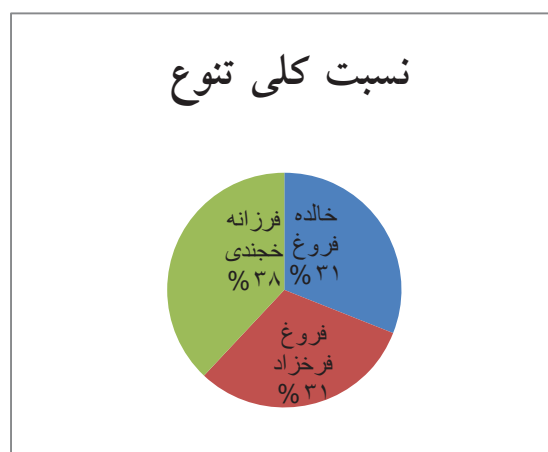
۳- انجام محاسبات: پس از خط زدن واژگان تکراری و شمارش واژگان متنوع، برای مقایسه دقیق‌تر، محاسباتی را انجام می‌دهیم که عبارتند از: «الف- نسبت کلی تنوع واژگان

ب- مقدار میانگین نسبت تنوع واژگانج- منحنی کاهش پلکانی تنوع واژگان د- منحنی تراکم نسبت تنوع واژگان» (اناری و امیدوار، ۱۳۹۰، ۳۹۰)

الف. نسبت کلی تنوع: در این روش نسبت واژگان متنوع را به نسبت کل متن می‌سنجیم، ابتدا واژگان متنوع را استخراج می‌کنیم، سپس تعداد آن را بر کل واژگان متن تقسیم می‌کنیم.

از مجموع سه هزار واژه هر یک از شاعران، فروغ و خالد هر یک ۹۳۰ واژه غیر تکراری و فرزانه ۱۱۶۰ واژه غیر تکراری داشته‌اند. جدول و نمودار زیر تعداد واژگان غیر تکراری و نسبت کلی تنوع را نشان می‌دهد.

شاعر	واژگان متنوع	نسبت کلی تنوع
فروغ فرخزاد	۹۳۰	٪۳۱
خالد فروغ	۹۳۰	٪۳۱
فرزانه خجندی	۱۱۶۰	٪۳۸



ب- مقدار میانگین نسبت تنوع واژگان: برای محاسبه مقدار میانگین نسبت تنوع باید این مراحل را انجام داد: «۱- تقسیم متن به اجزای هم‌اندازه ۲- محاسبه واژگان متنوع به

مجموع کلی واژگان هر جزء ۳- به دست آوردن مقدار میانگین واژگان کل متن به کمک ارزش میانگین هر جزء، که با جمع مقدار میانگین اجزای مختلف و تقسیم آن بر عدد اجزای تشکیل دهنده متن به دست می‌آید» (اناری و امیدوار، ۱۳۹۱، ۴۷).

ما از هر شاعر، سه هزار واژه به عنوان نمونه داریم که آن را به ۶ بخش ۵۰۰ کلمه‌ای تقسیم کردیم سپس تعداد واژگان متنوع هر بخش را با یکدیگر جمع و بر ۶ تقسیم نمودیم. جدول زیر، میانگین نسبت تنوع را در سه شاعر منتخب نشان می‌دهد.

جدول میانگین نسبت تنوع در نمونه‌های سه گانه

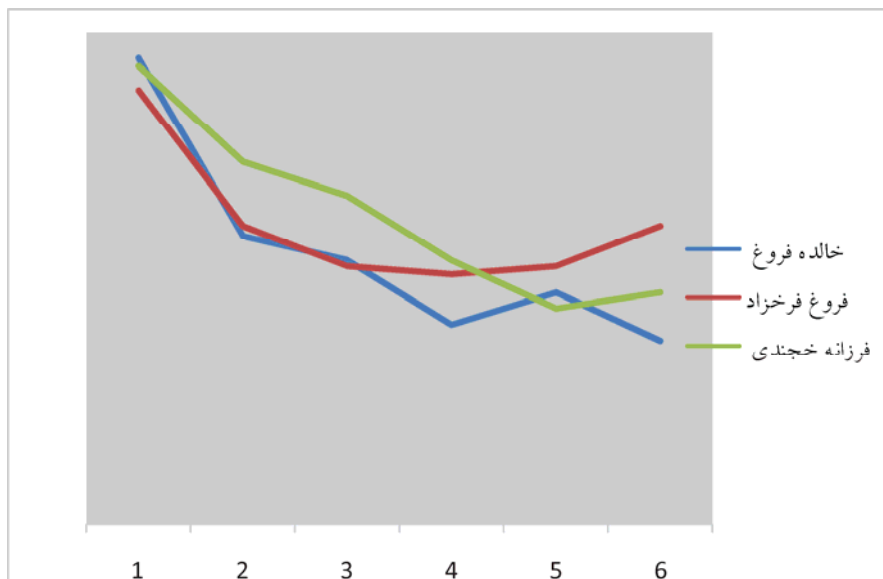
شاعر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	میانگین
فروغ	۴۵٪	۳۱٪	۲۷٪	۲۶٪	۲۷٪	۳۱٪	۳۱٪
خالده	۴۸٪	۳۰٪	۲۸٪	۲۷٪	۲۴٪	۱۹٪	۲۸٪
فرزانه	۴۹٪	۳۸٪	۳۴٪	۲۸٪	۲۳٪	۳۰٪	۳۴٪

ج- منحنی کاهش پلکانی تنوع واژگان: طبیعی است که در آغاز نمونه‌ها، تعداد واژگان متنوع بیشتر است و هر چه بیشتر برویم، از تنوع واژگان کاسته می‌شود. بررسی شیب این کاهش تنوع از طریق «منحنی کاهش پلکانی تنوع واژگان» امکان‌پذیر است. برای این کار نیز ابتدا متن را به اجزای هم‌اندازه تقسیم می‌نماییم، سپس مراحل زیر را طی می‌کنیم: «محاسبه تنوع در جزء اول متن که با تعیین واژگان متنوع و تقسیم عدد آن بر عدد مجموع کل واژگان این جزء به دست می‌آید. ۲- تعیین تعداد واژگان متنوع جزء دوم از متن ۳- محاسبه نسبت تنوع در جزء دوم که با تقسیم واژگان متنوع این جزء به مجموع کلی واژگان جزء دوم به دست می‌آید.» (اناری و امیدوار، ۱۳۹۰، ۳۹۶) همین روش را درباره جزء سوم تا پایان متن ادامه می‌دهیم. جدول و منحنی زیر کاهش پلکانی تنوع واژگان را نشان می‌دهد.

جدول کاهش پلکانی تنوع واژگان

شاعر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
فروغ	۵۴٪	۳۷٪	۳۲٪	۳۱٪	۳۲٪	۳۷٪
خالده	۵۸٪	۳۶٪	۳۳٪	۲۵٪	۲۹٪	۲۳٪
فرزانه	۵۷٪	۴۵٪	۴۱٪	۳۳٪	۲۷٪	۲۹٪

منحنی نسبت کاهش پلکانی در نمونه‌ای سه‌گانه



د- منحنی تراکم نسبت تنوع واژگان: در این مرحله، مانند مراحل قبل، متن را به اجزای مساوی تقسیم می‌کنیم، سپس «۱- بین واژگان متنوع و مجموع کلی واژگان جزء اول نسبت ایجاد می‌کنیم ۲- در خصوص جزء دوم، با ایجاد نسبت بین واژگان متنوع این جزء و مجموع کلی واژگان، این جزء به دست می‌آید. ۳- عدد واژگان متنوع جزء اول را با عدد واژگان متنوع جزء دوم جمع می‌کنیم.» (همان ۳۹۷). نسبت تراکم در جزء سوم تا پایان اجزا به همین روش مشخص می‌شود. ما سه هزار واژه هر یک از شاعران را به شش جزء ۵۰۰ واژه‌ای تقسیم کرده‌ایم و با طی مراحل گفته شده، به نتایج زیر رسیدیم:

فروغ فرخزاد

نسبت تنوع در جزء اول : ۵۴٪ / نسبت تنوع در جزء دوم: ۳۷٪ / نسبت تراکم تا پایان جزء دوم: ۴۵٪

$$\frac{188 + 271}{1000} = 45\%$$

نسبت تنوع در جزء سوم ۳۲٪ / نسبت تراکم تا پایان جزء سوم: ۴۱٪

$$\frac{۱۸۸+۲۷۱+۱۶۲}{۱۵۰۰} = \%۴۱$$

نسبت تنوع در جزء چهارم ۳۱٪ / نسبت تراکم تا پایان جزء چهارم: ۳۹٪

$$\frac{۱۸۸+۲۷۱+۱۶۲+۱۵۹}{۲۰۰۰} = \%۳۹$$

نسبت تنوع در جزء پنجم ۳۲٪ / نسبت تراکم تا پایان جزء پنجم: ۳۹٪

$$\frac{۱۸۸+۲۷۱+۱۶۲+۱۱۶۵۹+۱۶۰}{۲۵۰۰} = \%۳۹$$

نسبت تنوع در جزء ششم ۳۷٪ / نسبت تراکم تا پایان جزء ششم: ۳۷٪

$$\frac{۱۸۸+۲۷۱+۱۶۲+۱۱۶۵۹+۱۶۰+۱۸۸}{۳۰۰۰} = \%۳۷$$

فرزانه خجندی

نسبت تنوع در جزء اول ۵۷٪ / نسبت تنوع در جزء دوم ۴۵٪ / نسبت تراکم تا پایان جزء دوم: ۵۱٪

$$\frac{۲۹۸+۲۲۶}{۱۰۰۰} = \%۵۱$$

نسبت تنوع در جزء سوم ۴۱٪ / نسبت تراکم تا پایان جزء سوم: ۴۸٪

$$\frac{۲۹۸+۲۲۶+۲۰۶}{۱۵۰۰} = \%۴۸$$

نسبت تنوع در جزء چهارم ۳۳٪ / نسبت تراکم تا پایان جزء چهارم: ۴۴٪

$$\frac{۲۹۸+۲۲۶+۲۰۶+۱۶۶}{۲۰۰۰} = \%۴۴$$

نسبت تنوع در جزء پنجم ۲۷٪ / نسبت تراکم تا پایان جزء پنجم: ۴۰٪

$$\frac{۲۹۸ + ۲۲۶ + ۲۰۶ + ۱۶۶ + ۱۳۶}{۲۵۰۰} = \%۴۴$$

نسبت تنوع در جزء ششم ۲۹٪ / نسبت تراکم تا پایان جزء ششم: ۳۹٪

$$\frac{۲۹۸ + ۲۲۶ + ۲۰۶ + ۱۶۶ + ۱۳۶ + ۱۴۷}{۳۰۰۰} = \%۳۹$$

خالده فروغ

نسبت تنوع در جزء اول ۵۸٪ / نسبت تنوع در جزء دوم ۳۶٪ / نسبت تراکم تا پایان جزء دوم: ۴۷٪

$$\frac{۲۹۱ + ۱۸۱}{۱۰۰۰} = \%۴۷$$

نسبت تنوع در جزء سوم ۳۳٪ / نسبت تراکم تا پایان جزء سوم: ۴۲٪

$$\frac{۲۹۱ + ۱۸۱ + ۱۶۶}{۱۵۰۰} = \%۴۲$$

نسبت تنوع در جزء چهارم ۲۵٪ / نسبت تراکم تا پایان جزء چهارم: ۳۸٪

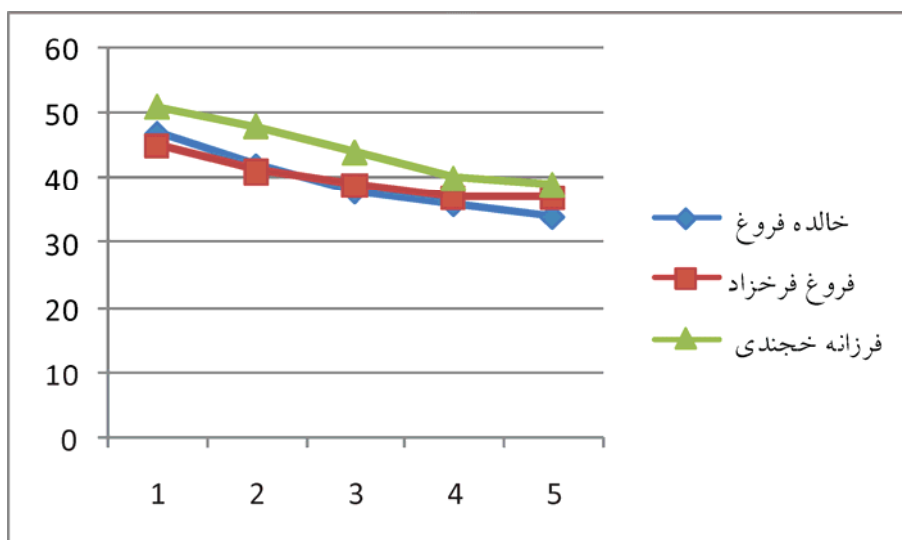
$$\frac{۲۹۱ + ۱۸۱ + ۱۶۶ + ۱۲۹}{۲۰۰۰} = \%۳۸$$

نسبت تنوع در جزء پنجم ۲۹٪ / نسبت تراکم تا پایان جزء پنجم: ۳۶٪

$$\frac{۲۹۱ + ۱۸۱ + ۱۶۶ + ۱۲۹ + ۱۴۵}{۲۵۰۰} = \%۳۶$$

نسبت تنوع در جزء ششم ۲۳٪ / نسبت تراکم تا پایان جزء ششم: ۳۴٪

$$\frac{۲۹۱ + ۱۸۱ + ۱۶۶ + ۱۲۹ + ۱۴۵ + ۱۱۶}{۳۰۰۰} = \%۳۴$$



منحنی نسبت تراکم در نمونه های سه گانه

۴- مقایسه و تحلیل نتایج : در این مقاله نمونه‌هایی از سه شاعر را بررسی کردیم. به استناد این نمونه‌ها، نسبت تنوع واژگان در شعر فرزانه خجندی (۳۸٪) و در شعر فروغ فرخزاد و خالده فروغ (۳۱٪) است.

در مرحله دوم، مقدار میانگین نسبت تنوع واژگان هر سه شاعر نزدیک به هم هستند و اختلاف چشمگیری در آن‌ها مشاهده نمی‌شود. فروغ بین ۴۵٪ و ۳۱٪، خالده ۴۸٪ و ۲۸٪ و فرزانه بین ۴۹٪ و ۳۴٪ قرار دارند.

در مرحله سوم یعنی، کاهش پلکانی تنوع واژگان، واژگان فروغ از ۵۴٪ به ۳۷٪، فرزانه از ۵۷٪ به ۲۹٪ و خالده از ۵۸٪ به ۲۳٪ کاهش یافته است. این بدان معناست که واژگان تکرارشونده در شعر خالده زیادتر است و اگر نمونه را ادامه دهیم امکان دارد، تنوع واژگان او سریع‌تر از دو شاعر دیگر کاهش بیابد. در شعر فرزانه نیز این ویژگی با شدت کمتری دیده می‌شود، اما در شعر فروغ، سرعت روند کاهش واژگان متنوع کمتر است.

در مرحله چهارم، تراکم واژگان متنوع در شعر فروغ از ۴۵٪ به ۳۷٪ در فرزانه از ۵۱٪ به ۳۹٪ و در خالده از ۴۷٪ به ۳۴٪ تقلیل یافته است که باز هم تراکم در واژگان متنوع فروغ بیش از خالده و فرزانه است. متن نمونه ما از کتاب «تولد دیگر» انتخاب شده و این اثر سر آغاز بلوغ شعری فروغ است. شعر او در این مجموعه اوج می‌گیرد و رفته‌رفته به کمال خود

نزدیک می‌شود، بنابراین یکی از ویژگی‌های شعری فروغ در دوران کمال شاعریش، غنای واژگان اوست.

درست است که در مرحله اول، یعنی نسبت تنوع واژگان، واژگان متنوع فرزانه ۷٪ بیش از فروغ و خالدۀ است، اما از آنجا که ۷٪، فاصله چشمگیر و معناداری نیست و از طرفی در سه مرحله بعدی، فروغ به لحاظ واژگان غنی‌تر است نمی‌توان این معیار را به تنهایی نشان توانمندی و تسلط زبانی بیشتر فرزانه دانست. افزون بر این، در شعر فروغ، انواع تکرار از صامت و مصوت تا تکرار هجا، کلمه و جمله به کار رفته که از مشخصه‌های سبکی اوست و از مناظر مختلف از جمله علم معانی و روان‌شناسی نیز قابل بررسی است. همین امر سبب می‌شود که از تنوع واژگان او کاسته شود. برای مثال در شعر «آن روزها» که آغاز نمونه ماست، ۱۸ مرتبه عبارت «آن روزها» تکرار شده است و این تنها یک نمونه از تکرارهای موجود در این شعر است. البته تکرار، به ویژه تکرار واژه، در شعر فرزانه و به مراتب کمتر در شعر خالدۀ نیز دیده می‌شود اما آنقدر نیست که بتوان آن را مشخصه سبکی دانست.

افزون بر تنوع واژگان، نوع و شیوه به کارگیری آن‌ها را هم باید در نظر داشت. برای رسیدن به نتایج دقیق‌تر می‌توان متغیرهایی را در نظر گرفت و آن‌ها را در نمونه، رصد و ارزیابی کرد. این مؤلفه می‌تواند واژه، صنعت ادبی، نکته دستوری، مضمون خاص یا... باشد. به عنوان مثال ما در نمونه‌های سه گانه، تعداد صفت‌ها را بررسی کردیم (در اینجا منظور از صفت، صفاتی است که در ساختار ترکیب وصفی می‌توان از آنها استفاده کرد و صفات مبهم، اشاره و شمارشی و... را در بر نمی‌گیرد.) نتایج حاصل چنین بود:

شاعر	تعداد صفت در ۳۰۰۰ واژه
فروغ فرخزاد	۳۷۰
فرزانه خجندی	۲۴۰
خالدۀ فروغ	۲۳۰

ملاحظه می‌شود که هر چند نسبت تنوع واژگان فروغ فرخزاد و خالدۀ فروغ یکسانند، اما تعداد صفاتی که به کار برده‌اند بسیار متفاوت است. برای مثال فروغ ۱۰ بار کلمه «سیاه» را به کار برده، خالدۀ ۲ بار و فرزانه تنها یک بار از ترکیب «سیاه سوخته» استفاده کرده است. در

مقایسهٔ صفت‌ها نکات دیگری هم جلب توجه می‌کنند از جمله اینکه: در نمونهٔ شعر فروغ صفات زیادی به کار رفته‌اند که بیشتر آن‌ها اسم مفعول عربی‌اند و بیشتر بار معنایی منفی دارند مثل: مغشوش، منفور، مخدوش، متروک، مسموم، مشوش، مضطرب و ... که بازتاب اندیشه و ذهنیت شاعر است و به نظر تعمدی و آگاهانه به کار رفته است، زیرا فروغ در انتخاب کلمات بسیار دقیق بوده و در مصاحبه‌ای گفته است:

برای من کلمات خیلی مهم هستند هر کلمه روحیه خاص خودش را دارد. من به سابقهٔ شعری کلمات و اشیا بی‌توجهم، به من چه که تا به حال هیچ شاعر فارسی زبانی مثلاً کلمهٔ انفجار را در شعرش نیاورده است. شعر ما اتفاقاً به مقدار زیادی خشونت و کلمات غیرشاعرانه احتیاج دارد تا جان بگیرد و از نو زنده شود (شمیسا، ۱۳۸۳، ۲۶۵).

در نمونه شعر خالده صفات خونین، آواره، غریب، زخمی، آتشین و ... دیده می‌شوند که با اوضاع نابسامان و جنگ زدهٔ افغانستان و مهاجرت او به پاکستان در ارتباطند. در نمونه شعر فرزانه صفات مثبتی چون: سبز، شکوفا، پاک، مهربان و ... به طور چشمگیری بر صفات منفی غلبه دارند و بیانگر روحی لطیف و احساسی سرشارند. یکی دیگر از متغیرهایی که در این مقاله در نظر گرفتیم، کاربرد نمودها و پدیده‌های طبیعت از قبیل خورشید، ماه، کوه نام گلها و ... در میان واژگان متنوع است. در ۹۳۰ واژهٔ متنوع خالده، ۸۰ واژه و در ۹۳۰ واژهٔ متنوع فروغ و فرزانه، هر یک ۵۰ واژه وجود دارد که بر نمودهای طبیعت اشاره دارند.

چنانکه مشاهده می‌شود، فروغ و فرزانه به یک میزان از واژگان طبیعت بهره گرفته‌اند، خالده با شمار بیشتری از آنها، مضمون و تصویر، پرداخته و ساخته است. هرچند شمار واژگان به تنهایی ملاک نیست. در اینجا باید دقت داشت که بیشتر عناصر طبیعت در شعر فروغ جنبهٔ نمادین و سمبلیک دارند، در حالی که در شعر فرزانه اغلب در معنای اصلی و غیر نمادین به کار رفته‌اند. برای مثال فرزانه ۱۴ بار واژهٔ سیب را به کار برده که می‌توان گفت در همه جا به معنی واژگانی آن یعنی میوه سیب نظر داشته و هاله‌ای از مفاهیم نمادین را در آن نمی‌توان دید. همچنین واژهٔ صبح که ۱۵ مرتبه به کار رفته و سایر کلمات. درباره کاربرد کلمات سمبلیک، خالده حد وسط فروغ و فرزانه است. او به اندازهٔ فروغ کاربرد سمبلیک ندارد و به اندازه فرزانه نیز کلمات شفاف را به کار نبرده است. حسن روش جانسون این است که با کاربرد آن می‌توان به لایه‌های پنهان ذهنیت و ضمیر ناخودآگاه شاعر تا حدود زیادی پی برد

و دغدغه‌های واقعی او را دریافت، چیزی که گاه به سبب ملاحظات گوناگون، خواسته یا ناخواسته توسط شاعر یا جامعه پنهان می‌شود یا به گونه‌ای دیگر تفسیر می‌گردد، زیرا «امروزه پس از آن همه پژوهش روانکاوی و زبان‌شناسی دیگر نمی‌توان اثر هنری را منحصرأ فرایند نیت روشن و اراده حاکم نویسنده دانست. هر اثر تا اندازه‌ای جوشش انگیزه‌های ناآگاهی است که می‌کوشد از رهگذر ادبیات و هنرها خودی نشان دهد و تسکین یابد» (غیائی، ۱۳۶۸، ۱۸۷).

نتیجه

آمار به دست آمده از پژوهش، آنقدر به یکدیگر نزدیک‌اند که نمی‌توان در باب ثروت واژگانی هر یک از شاعران به آسانی داوری کرد، چه بسا کس دیگری با انتخاب نمونه‌های دیگر از همین شاعران به نتیجه متفاوتی دست پیدا کند. بنابراین ضمن توجه به اعداد و ارقام حاصل شده در چهار مرحله فوق، نکات زیر را نیز باید در نظر گرفت:

- فرزانه و خالد از فروغ، تأثیر پذیرفته‌اند، اما در نهایت هر سه شاعر، صدایی مستقل دارند. تفاوت فرهنگی و گویشی - که درباره این شاعران انکارناپذیر است - به علاوه تفاوت‌های فردی و شخصیتی سبب شده که هر یک به گروه‌های خاصی در مجموعه واژگان خود علاقه نشان دهند که برخی از این موارد بررسی شد.

- در مجموع کلمات کلیشه‌ای و دستفروسی، در شعر هر سه شاعر اندک است و اندک واژه‌هایی از این دست هم که دیده می‌شوند در بافت کلام، کاربردهایی غیر از کاربردهای سنتی ادبیات دارند.

- شعر فروغ با وجود کاربرد واژه‌های عامیانه و گفتاری در بافت زبانی و لایه‌های معنانشناختی حاصل از نگاه سمبولیک، به پیچیدگی و ابهام می‌رسد در حالی که شعر فرزانه شعری حرفی و شفاف به دور از ابهام‌های معنایی و فنی است و خالد در بین این دو قرار دارد به گونه‌ای که مشخصات هر دو را در واژگان او می‌توان یافت.

شایان ذکر است، روش تنوع واژگان، رویکردی ساختارگرایانه دارد و شیوه‌ای برای سنجش توانمندی شاعر در استفاده از ادات تعبیر یعنی واژگان است و به صحت و دقت پژوهش‌های ادبی بسیار کمک می‌کند، اما صرف تکیه بر کمیت‌ها و یافته‌های آماری به تنهایی برای قضاوت درباره سبک یک شاعر کافی نیست و زمینه‌های آفرینش اثر و سایر ویژگی‌ها را نباید از نظر دور داشت. در پایان صد واژه از هر شاعر به عنوان نمونه ذکر می‌گردد.

Bibliography

- Abdol, Ghaavim Puhand .(1387-2008). *Moruri Bar Adabyate Moasere Dari* (Review on Dary Contemporary Litrature). Kabol: Saeed Publication.
- Ali Pur, Mostafa.(1387-2008). *Sakhtare Sher Moaser Emroz* .(Stracture of Modern Poetic Language. a Research on Words and STRUCTURE of Contemorory Poem) .Tehran: ferdos publication.
- Amini, Mohammad Reza. (winter 1388-2009). “*Astaneye Entekhab Mafhumi Zaruri Dar Barrasiye Tahavolate Adabi va Sabk Shenasi*.” (Threshold Chosen Essential Concept in the Study of Literary and Stylistic Developments, *Magazine of shirza university Park literature*) 56/1.
- Anari Bozcheluyi, Ebrahim, Ahmad. Ommidvar. (winter1391-2011). “pazhuheshi dar Tanavoe Vajegane Sheri (Research in a variety of poetic words, case study: rahi moaayyeri hushing ebtehaj fereydun moshiri). *Journal of Literary Criticism and Stylistics*. pp. 384-399.
- . (1390- 2011). *Rabeteye Sabk Shenasi va Elme Amar* (Relation Between Stylistics and statistics). nameye naghd. (review letter.Proceedings of the First National Conference on Theory and Literary Criticism in Iran) by efforts mahmud fotuhi.Tehran: khaneye kitab publication.
- Farrokhzad, Forough. (1378-1999). *Divane Ashaar* (Poetry BUREAU). Tehran: Ahura publication.
- Forough, Khaledeh. (1386-2007). *Hamishe Panje Asr* (Always Five in the Afternoon). kabol: meyvand publication.
- Fotuhi, Mahmud. (1390-2011). *Sabk Shenasi* (Nazariyeha.Rooykardha va Ravesh ha) Stylistics(theoris.approach and ways), Tehran: Speech Publication.
- Ghiyasi, Mohammad Taghi. (1368). *Daramadi bar Sabk Shenashi Sakhtari* (Introduction to Structural Stylistics), Tehran: Thinking Falame publication.
- Khojandi, Farzaneh. (1385-2006). *Suze Natamam*. (Unfinished Burning). Tehran: Resanes Publications.

Shamisa, Sirus. (1383-2004). *Rahnamaye Adabyate Moaser*. (Guid to Contemporary Literature,). Tehran: Mitra publication.

Sher Dust, Ali Asghar. (1390-2011). *Tharikh Ababiate Tajikestan*. (History of Tajikestan Literature). Tehran: Scientific and Cultural publication.